

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1396/02/18



موضوع: کمک گرفتن در وضو

گفته شد که قول مشهور یعنی متن عروه الوثقی مطابق با مشهور این است که اگر در مقدمات قریبه از غیر کمک گرفته شود مکروه است. در این رابطه ادله ای اقامه شد از جمله نصوصی بود که گفتیم و مطلب اعلام شد.

نظر سید الخوئی در مورد روایات

اما سیدنا الاستاد قدس الله نفسه الزکیه مسئله را شرح می دهد و به این ادله اشکالاتی دارد که قسمتی از آن را گفتیم، اشکالی که گفته شد درباره روایت حسن بن علی الوشاء بود که فرمودند سند ضعیف است و دلالت هم اشکال دارد. در مجموع ایشان می فرمایند: این روایات به اغلب آنها ضعف سند دارد و دلالت شان هم کامل نیست. اما روایتی که از سکونی نقل شده بود شیخ صدوق در کتاب خصال این روایت را مسند نقل فرمودند محمد بن علی عن ایبه عن علی بن ابراهیم عن ایبه عن النوفلی عن السکونی، فرمودند که اخیراً نظر ما این شد که سکونی معتبر است. نوفلی را هم که شرح دادیم که توثیق عام دارد و سند معتبر شد. می فرماید: اما درباره حدیث سکونی باید بگوییم که دلالت این حدیث قاصر است و بر مطلوب کامل نیست. برای اینکه مطلوب ما این است که مشارکت در مقدّمه وضو مکروه باشد نه در خود وضو. و از متن این حدیث استفاده می شود که امام فرموده است «[خصلتان لا احبّ أن یشارکنی فیهما احد وضوئی فانه من صلاتی و صدقتی فانها من یدی الی ید السائل فانه تقع فی ید الرحمن](#)». می فرماید: از این حدیث استفاده می شود که شرکت متعلق به وضو هست، دوست ندارم که کسی با من شریک بشوم و کمک کند در وضو یعنی

در خود عمل. و این مطلب درستی است و اشکالی ندارد که در خود عمل وضو شرکت و معاونت غیر جایز نیست و وضو باطل است. بنابراین دلالت بر مطلوب کامل نیست. قرینه ای هم داریم که منظور خود عمل باشد و آن فراز دوم حدیث است که شرکت کند کسی در صدقه من یعنی در خود عمل صدقه نه در مقدمات. بنابراین مطلوب چیزی است و مدلول چیز دیگر. مطلوب عدم جواز مشارکت در مقدمات وضو و مدلول عدم جواز مشارکت در خود وضو است. دلالت کامل نیست. در نهایت می فرماید: آنچه را که صاحب مدارک و صاحب حدائق فرموده اند که کمک گرفتن در مقدمات قریبه وضو کراهت ندارد رأی درستی است برای اینکه دلیل بر کراهت کامل نیست و کمک کردن تعاون علی البرّ است و اشکال در کار نیست.^[1]

تحقیق دو قسم کراهت و استحباب

اما تحقیق: توجه فرمودید که کراهت مثل استحباب دو قسم است: 1. کراهت شرعی که از سوی شرع به عبارت «اکره» یا «لا احبّ» اعلام بشود. قسم دوم کراهت به معنای مرجوحیت است که کراهت در شرع تلقی می شود هرچند از سوی شرع در آن باره تصریحی نیامده باشد. که استحباب هم به همین دو قسم بود استحباب شرعی و استحباب به معنای راجح. درباره کراهت ادله در نهایت استحکام بود و مطابق با نظر قدمات بود و مطابق با نظر مشهور بود، دلالت روایات هم بحث شد اشکالات هم رفع شد و در آخر اعلام شد که قدر متیقن و مطابق با سیره خواص این است که در مقدمات وضو از کس دیگر کمک گرفته نشود. اما این حکم مطابق با متن عروه است و آنچه که ظاهر ادله می نماید و مشهور و فهم قدمات و استفاده از روایات کراهت یک حکم ثابتی دیده می شود اما اشکالی بر شرح و بیان سیدنا الاستاد هم اعلام نمی کنیم. بنابراین براساس تحقیق این گونه می توانیم مطلب را اعلام بکنیم که رأی و نظر سیدنا الاستاد براساس دقت است و یک دقت عقلی اگر لحاظ بشود اثبات کراهت مشکل است و الا سیره و رأی و نصوص بر این است که کراهت وجود داشته باشد. مضافاً بر اینکه کمک گرفتن از غیر مخصوصاً که دستش را دراز کند که خادم بیاید روی دستش آب بریزد این دأب سلاطین است. دأب اهل شرع نیست. پس حداقل مرجوحیت وجود دارد، مرجوحیت مساوی با کراهت است. این دو قسم از مقدمه گفته شد که سید طباطبایی مقدمات را فرمودند به اقسامی است، قسم اول مقدمات بعیده است که خلاقی در اقتضای کراهت آن نیست. قسم دوم هم مقدمات قریبه بود مثل صبّ الماء که فرمود کراهت دارد و درست است.

الثالث

«الثالث» قسم سوم از مقدمات، می فرماید: «مثل صبّ الماء علی اعضائه مع کونه هو المباشر لاجرائه و غسل اعضائه» قسم سوم این است که آب را در خود اعضای وضو بگیرد

نه به کف وضو گیرنده به این صورت که آب روی اعضای وضو بریزد ولی خود وضوگیرنده آن آب را روی دست خودش روی اعضاء بکشد و کامل کند. خود عمل به توسط مکلف است ولی صبّ ماء و ریختن آب توسط فرد دیگر، مباشر در اجراء و غسل اعضاء خود مکلف است. می فرماید: «و فی هذه الصورة و ان كان لا یخلو تصدّی الغیر عن اشکال» در این صورت هرچند تصدّی و مبادرت دیگری در وضو ساختن خالی از اشکال نیست «الا. أن الظاهر صحته» مگر اینکه ظاهر این است که این وضو هم صحیح است و باطل نیست. ممکن است سوال کنید که در فراز قبلی گفت اگر آب بریزد در کف وضو گیرنده کراهت دارد اینجا می گوید اگر آب را روی عضو بریزد ظاهر صحت است، در فرض دوم که آب را داخل وضو گیرنده می ریخت صحبت از کراهت است در این قسم سوم که آب را روی عضو می ریزد صحبت از صحت و بطلان است. کراهتش قطعی است و می رسیم به صحت و بطلان که این صورت از کار صحیح است یا باطل، می فرماید: کسی که این کار را انجام می دهد خالی از اشکال نیست. اشکال این است که در دید ابتدائی تصوّر می شود مشارکت در اصل عمل و مشارکت در اصل عمل وضو قطعاً موجب بطلان است. این اشکال مسئله و اما ظاهر صحت است برای اینکه پس از تصور ابتدائی آن دقت تطبیقی نه دقت عقلی، آن دقت تطبیقی که انجام بدهیم می بینیم که خود غسل صحت استناد دارد به خود وضو گیرنده. خودش انجام داده، او شستشو کرده او آب را که ریخته بود روی عضو وضویش جاری کرده و سریان داده تا سر انگشتان. در افعال از لحاظ فقهی یک مطلب یادمان نرود و آن صحت استناد عرفی که عرف را که غسل را بفهمد و فاعل غسل را بفهمد که عرف می فهمد اگر غسل را به آن فاعل نسبت داد و آن نسبتش صحیح بود آن فاعل غاسل مباشر است. پس «ان الظاهر صحته» اما وضویی که قطعاً کراهت روی آن آمده ولی باطل است. «فینحصر البطلان فیما لو باشر الغیر غسله أو اعانه علی المباشرة بأن یکون الا.جاء و الغسل منهما معاً» [2] پس باطل فقط همان صورت است که این وضو را این دو نفر با هم انجام داده اند. مثلاً آب را می ریزد یک قسمتش را غیر می کشد و قسم دیگر خودش می کشد می گوئیم مشارکت داشته، این وضو باطل است. و این مسئله باز هم یک مسئله فقهی اجتهادی نیست، یک مسئله واقعی عرفی خارجی است. کجا تا چه حد عمل مستند به مکلف می شود و تا چه حد عمل مستند به مکلف نمی شود، اینها مسائل اجتهادی نیست و اینها مسائل تقلیدی نیست بلکه واقعیتی است که باید برای ما در واقع معلوم و مشخص بشود.

سوال:

پاسخ: کراهت در عبادت مشهور این است که به معنای اقل ثواباً هست و الا به اشکال برمی خوریم که احکام تکلیفیه تضاد دارد، یک عمل واجب با یک کراهت جمع نمی شود. و هر عملی که مکروه باشد حالت مَبْغُوضِیت داشته باشد قابلیت تقرب ندارد. به دلیل آن دو اشکال گفتیم که کراهت اقل ثواباً هست در عبادت.

مسئله 22 «اذا كان الماء جاريا من ميزاب»

مسئله 22: سید طباطبایی یزدی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: «اذا كان الماء جاريا من ميزاب أو نحوه فجعل وجهه أو يده تحته بحيث جرى الماء عليه بقصد الوضوء صحّ و لا ينافي وجوب المباشرة بل يمكن أن يقال اذا كان شخص يصبّ الماء من مكان عال لا يقصد أن يتوضو به أحد و جعل هو يده أو وجهه تحته صحّ أيضاً و لا يؤدّ هذا من اعانه الغير أيضاً» [3] این مسئله روشن تر از مسئله قبلی فتوا نیست، یک بحث موضوعی است می توانید که بگویید که این فعل اختیاری به حساب نمی آید، وضو باید فعل اختیاری باشد چون فتوایی نیست، می خواهد از یک واقعی خبر بدهد که این واقع اعانه در وضو به حساب نمی آید. می فرماید: اگر آب جاری باشد از ناودان، ناودانی است باران است و آب جاری می شود یا لوله ای است که مثلاً جایی گذاشته شده است که آب از آنجا جاری است. این وضو گیرنده صورتش را زیر آن جریان آب قرار بدهد یا دستش را به نحوی که آب جاری بشود در وضو وضو اما این استفاده و این قرار دادن دست زیر آن آب جاری به قصد وضو باشد این وضو درستی است. «و لا ينافي وجوب المباشرة» شما که در وضو وجوب مباشرت را به عنوان یک حکم مسلم قبول دارید این گونه عمل وضو با آن وجوب مباشرت منافات ندارد. خودش وضو گرفته و کس دیگر نیامده وضویش را کمک کند. بلکه ممکن است که بگوییم اگر فردی آبی را از یک مکان عالی بریزد نه به قصد اینکه به این آب کسی وضو بسازد، ولی فردی از آن آب برای وضو استفاده کند دست خودش و صورت خودش را زیر آن جریان آب قرار بدهد کسی است از داخل یک لوله ای یا از داخل آفتابه ای، آفتابه را می خواهد خالی کند این فرد دست خودش را می گیرد زیر آن آب آفتابه به قصد وضو منتها آن کسی که آفتابه دستش است فقط می گوید آب را خالی کنم نه برای اینکه دیگری وضو بگیرد، این وضو هم درست است. برای اینکه اعانت غیر به حساب نمی آید. در وضو چیزی که اشکال داشت این بود که غیر کمک کند و اعانت کند. در این صورت از مسئله می فرماید اعانت نیست، وضو درست است.

اما تحقیق که این فتوی نیست و تشخیص موضوع است

اما تحقیق این است که اولاً این مطلب فتوا هم نیست، بیان یک واقعیت است. خود سید این را اعانت تلقی نمی کند. این را فعل خود مکلف تلقی می کند نه فتواست و نه اجتهاد است در یک موضوع خارجی است. تشخیص یک موضوع خارجی است که این فعل مکلف است و اعانت نیست. فتوا که نبود، مکلف می تواند از فهم خودش در حد یقین یا اطمینان استفاده کند. این نکته دوم، نکته سوم در وضو باید خود غسل منسوب به فعل مکلف باشد، فعل اختیاری مکلف. آب روی عضو وضو ریخته شود فعل مکلف باشد، آبی که از بالا می آید می ریزد روی دست وضوگیرنده عرفاً فعل مکلف نیست، مکلف آب را ریخته. بنابراین مسئله که تقلیدی نبود، فعل مکلف که علی الاقل فعل مکلف مورد اشکال و شبهه است که این فعل مکلف نیست. و ثالثاً سیره در وضو چنین صورتی نداشته، یعنی عملیات

وضو به اين شكل در سيره متدينين ثبت نشده كه آب جريان دارد و مكلف دست خودش را زير آب بگيرد و وضو بشود. بنابراين حداقل احوط لزوماً اين است كه بايد در وضو ريختن آب هم به توسط خود وضوگيرنده باشد. مسئله بيست و دو كامل شد، مسئله بيست و سه ان شاء الله فردا.

[1] التنقيح في شرح العروه الوثقى، السيد ابوالقاسم الخوئي، ج5، ص368.

[2] العروه الوثقى، السيد محمد كاظم الطباطبائي اليزدي، ج1، ص178.

[3] العروه الوثقى، السيد محمد كاظم الطباطبائي اليزدي، ج1، ص178.